

اثربخشی آموزش معکوس بر اعتماد به نفس دانش آموزان پایه سوم ابتدایی

*سیده عصمت رسولی^۱

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف اثربخشی آموزش معکوس بر اعتماد به نفس دانش آموزان پایه سوم ابتدایی در شهر بهشهر انجام شد. روش شناسی این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها به صورت نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان پایه سوم ابتدایی شهر بهشهر که در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ مشغول به تحصیل بودند. از بین جامعه موردنظر تعداد 64 نفر به عنوان نمونه آماری به شیوه تصادفی انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند (هرگروه 15 نفر). گروه آزمایش تمرینات آموزشی منتخب تدریس معکوس را طی 12 جلسه در هفته آموزش دیدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه استاندارد عزت نفس کوپر اسمیت (SEI) در این پژوهش بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون پارامتریک شامل آزمون شاپیر و ویلک جهت بررسی نرمال بودن توزیع نمرات گروه نمونه در جامعه و آزمون‌های تحلیل کواریانس با استفاده از نرم افزار SPSS-21 صورت گرفت. نتایج نشان داد که نمره‌های اعتماد به نفس آزمودنی‌های گروه آزمایش در پس‌آزمون نسبت به گروه کنترل افزایش یافته است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت آموزش معکوس موجب افزایش اعتماد به نفس دانش آموزان شده 86 درصد تغییر است که با توجه به مقدار مجذور اتا آموزش معکوس باعث نمره‌های اعتماد به نفس دانش آموزان گردیده است.

کلیدواژگان: آموزش معکوس، اعتماد به نفس، سوم دبستان

The effectiveness of reverse education on the self-confidence of third grade elementary students

*** Seyedah Esmat Rasouli²**

abstract

Objective: The present study was conducted with the aim of the effectiveness of reverse education on the self-confidence of third grade elementary students in Behshahr city. The methodology of this research was applied research, and in terms of data collection, it was semi-experimental with a pre-test and post-test design with a control group. . The statistical population of the research includes all third grade elementary students of Behshahr who were studying in the academic year 1403-1404. 64 people were randomly selected from the target population as a statistical sample and randomly replaced in two experimental and control groups (15 people in each group). The data was Cooper Smith's standard self-esteem questionnaire (SEI) in this research. . Data analysis was done using parametric tests including Shapiro and Wilk tests to check the normality of the distribution of the scores of the sample group in the community and variance analysis tests using SPSS-21 software. The results showed that the self-confidence scores of the test group subjects increased in the post-test compared to the control group. Therefore, it can be concluded that reverse education has increased students' self-confidence, 86% change, which according to the squared value of eta, reverse education has caused students' self-confidence scores.

Keywords: reverse education, self-confidence, third grade

² - Assistant Professor, Curriculum Department, Islamic Azad University, Sari Branch, Sari, Iran.

در دنیای امروز مسئله آموزش و اثرات آن بر رفتار و تربیت دانش آموزان به عنوان یکی از چالش های حیاتی بشر تلقی می شود تا جایی که خیلی از کشور های پیشرفته دنیا اساس سیاست خود را بر رشد در این زمینه بنا نهاده اند (سماوی و همکاران، ۱۳۹۹) باید در نظر داشت که نهاد آموزش در هر کشور دارای اجزاء و زیرمجموعه هایی است و آموزش ابتدایی یکی از مهمترین زیرمجموعه های نظام آموزشی است. از زمانی که برنامه های آموزشی به صورت رسمی در مراکز آموزشی به اجرا درآمدند برنامه ریزان محققان با مشکلات مختلفی روبرو شدند از آنجا که عوامل مؤثر بر یادگیری بسیار گسترده و وسیع می باشند شناسایی این عوامل در رفع مشکلات و نارسایی های موجود در سیستم آموزشی مهم می باشد (پورکریمی و مبین رهنی، ۱۳۹۷).

در این بین مسئله اعتماد بنفس و اثرگذاری آن بر عملکرد تحصیلی یکی از بحث برانگیز ترین مسائل حوزه علوم تربیتی و روانشناسی است که اگر به خوبی به آن پرداخته نشود شاهد رکود زیان باری به آموزش و به خصوص آموزش در مقطع حساس ابتدایی وارد خواهد ساخت. برای مقابله با چنین رکودی لازم است دانش آموزان به یک نگرش مثبت و سالم مسلح شوند تا مسیر مستقیم زندگی خود را بیابند. هنگامی که آنان ارزیابی مثبتی از خود دیگران و زندگی داشته باشند احساس ارزشمندی بیش تری دارند و برای اینکه به چنین دیدگاهی برسند بایستی از ویژگی های مثبت توانایی ها زیبایی ها و استعداد های ویژه ی خود آگاه شده و به آن ها احترام بگذارند (بحرانی پور و اشرفی، ۱۴۰۰) و از آنجاکه دانش آموزان در طول سال های تحصیل با استرس های زیادی از جمله فشار درسی امتحانات مختلف ورود به مقطع تحصیلی جدید مواجه هستند (پورعبدل و همکاران، ۱۳۹۵) بنابراین برنامه ریزان آموزشی لازم است به عامل های مؤثر بر افزایش اعتماد به نفس و انواع آن که از نظر (کوپر اسمیت، ۱۹۶۷) عبارتند از: اعتماد به نفس عمومی اعتماد به نفس اجتماعی اعتماد به نفس خانوادگی و اعتماد به نفس تحصیلی توجه کافی داشته باشند تا بتوانند راهکارهای مناسبی را برای پیشبرد هدف های آموزشی تدوین و زمینه را برای موفقیت هر چه بیشتر دانش آموزان فراهم آورند (شرفی تقی بیگی و علی بیگی، ۱۳۹۴) از طرفی دیگر سیر تحول و پیشرفت علوم و فنون در عصر حاضر شتابی روزافزون یافته است و تکنولوژی های اطلاعاتی هر روز با ابداعات نوین اطلاعات بیشتر و بیشتری را در اختیار مخاطبان قرار می دهند؛ بنابراین بی مناسبیت نیست که از دوران حاضر با یاد «عصر اطلاعات» نام می کنند. در این شرایط و با توجه به وظیفه ذاتی آموزش و پرورش طبیعی است که از نظام آموزشی با همه محدودیت هایش انتظار رود تا این حجم از اطلاعات را در اختیار فراگیران قرار دهد (ابوالقاسمی و محمدی، ۱۳۹۹) در این میان دو محدودیت اساسی سد راه تحقق این مهم هستند که یکی حجم بالای کتب درسی و دیگری کمبود زمان تدریس است. در نتیجه باید به دنبال رویکرد جدیدی باشیم که به کلاس درس نگاه متفاوتی داشته باشد (اسمعیلی فر تقوایی یزدی و نیاز آذری، ۱۳۹۵).

طی دهه های گذشته استانداردهای آموزشی بر ارزش بالقوه محیط های یادگیری به روش معکوس و فراگیرمحور تأکید کرده اند که در آن فراگیران به طور فعالانه در فعالیت های یادگیری سطح بالا درگیر می شوند (کیم^۳ و همکاران، ۲۰۱۴). همچنین در پژوهشی که توسط احمدی و همکاران (۱۴۰۲) با عنوان تاثیر یادگیری معکوس بر عزت نفس دانش آموزان انجام شده به این نتیجه دست یافتند که اجرای روش کلاس معکوس تاثیر بسزایی در افزایش عزت نفس دختران پایه اول ابتدایی داشته است و در پژوهشی که

توسط زائو^۴ و همکاران (۲۰۲۱) ثبت شده حاکی از افزایش رضایت از یادگیری، خودکارآمدی و انگیزه و اعتماد به نفس بهتر بعد از اجرای روش کلاس معکوس است.

کلاس درس معکوس یک استراتژی آموزشی و نوعی از یادگیری ترکیبی است که آموزش را به یک مدل شاگرد محور تبدیل می کند که در آن زمان کلاس صرف بررسی موضوعات در عمق بیشتر و ساخت موقعیت های یادگیری جذاب می شود. درس های کلاسی در کلاس درس معکوس ممکن است شامل یادگیری بر اساس فعالیت هایی باشد که در آموزش سنتی به عنوان تکلیف خانگی بودند (مهرینگ^۵، ۲۰۱۶) محیط های یادگیری فراگیرمحور نیازمند استفاده از روش های یادگیری فعال در کلاس درس از جمله حل مسئله در گروه های کوچک خودارزیابی و ارزیابی توسط همتایان و بحث گروهی است این در حالی است که ایجاد چنین محیط هایی یک چالش به شمار می آید؛ مدرسان اغلب آمادگی لازم را برای به کارگیری فنون آموزشی جدید یا حمایت از گسترش نقش و مسئولیت های مرتبط با یادگیری فراگیرمحور را ندارند این یک چالش در طراحی و حمایت از آموزش فراگیر محور است (کاویانی و همکاران، ۱۳۹۶) کمبود زمان نبود انگیزه یادگیری به روز نبودن محتوای آموزشی از دیگر موانعی هستند که موجب عدم تطابق و هماهنگی میان نظام آموزشی معکوس و عصری که در آن زندگی می کنیم شده اند و به همین سبب یکی از مأموریت های ما در نظام آموزشی رفع موانع و محدودیت ها و استفاده از فرصت های موجود است. نظام آموزشی باید نحوه تعامل با اطلاعات را به دانش آموزان بیاموزد (اسمعیلی فر و همکاران، ۱۳۹۵).

باورهایی که معلمان در زمینه یاددهی یادگیری به روش معکوس دارند زمینه ساز موفقیت یا شکست آن ها در کلاس درس است. اگر معلمی با این باور که روش معکوس می تواند دانش آموزان را در پرباری آموزشی در درس مورد نظر برساند قطعاً این باور باعث بروز توانایی های معلم در بهتر انجام دادن و هدایت و راهنمایی دانش آموز به سمت رسیدن به اهداف آن درس خواهد شد. از طرفی لازم به ذکر است که این باور معلم در موفق شدن یادگیری به شیوه معکوس حاصل انگیزه دانش آموز و علاقمندی به این روش است که عامل این علاقه مندی نیز خود معلم است؛ به عبارتی این دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند (نعمتی، ۱۳۹۸). از این رو لازم است که معلم ابتدا توانایی تسلط و آگاهی کامل و کافی نسبت به این روش داشته باشد تا بتواند به خوبی در زمینه انگیزه دهی و هدایت و راهنمایی دانش آموز عمل کند. نکته بسیار مهم این است که این ایده آل ها در کلاس درس به صورت عملی ممکن است کمتر به عرصه ظهور برسد زیرا بافت فرهنگی سنتی تعلیم و تربیت کشورمان باوری که خانواده ها و حتی کادر آموزشی مدرسه نسبت به یادگیری دارند باور بنیادگرایان در زمینه تعلیم و تربیت و باوری که معلم در مرکز توجه است و به دانش آموزان محتوا را انتقال می دهد مانع از انجام این کار می شود (گلزاری و عطاران، ۲۰۱۶).

از این رو بهترین کار ایجاد آگاهی در باور مسئولین نظام تربیتی خانواده ها و به خصوص معلم است تا این باور نهفته که معلم در مرکز امور است کم کم به سمت این باور جهت داده شود که دانش آموز مرکز ثقل امور تعلیم و تربیت است و خودش باید به دنبال علم برود و راه های مختلف رسیدن به آن را نیز با هدایت و راهنمایی معلم پیدا کرده و از طرق مختلف به کسب محتواهای علمی مناسب با درس موردنظر فائق آید. این باعث ایجاد انگیزه اعتماد به نف و خودکارآمدی دانش آموز می شود و مهم تر اینکه فراگیران می توانند از هم اکنون روی پای خود بایستند و حتی خجالتی ترین دانش آموز در کلاس با مشارکت و تعامل در جمع قرار

^۴- Zhao

^۵- Mehring

گیرد و بتواند ابراز وجود کند و دیگر از آن حالت گوشه گیری و منزوی بودن رهایی یابد (فضلعلی علوی و کیوان پناه، ۱۳۹۶). از آنجایی که تعلیم و تربیت در دنیای امروز مفهومی متفاوت با گذشته دارد و ضروری است برای ایجاد تحول در نظام آموزشی علاوه بر ایجاد تحول در خرده سیستم های مختلف در نگرش و تدری معلمان نیز تحولاتی ایجاد شود. برای دستیابی به چنین تحولی معلمان باید دانش و بینشی صحیح از نظریه ها و راهبردهای مختلف و جدید آموزشی داشته باشند؛ چرا که مهمترین فعالیت های آموزشی و تربیتی توسط معلم و در کلاس درس صورت می گیرد (احمدآبادی صفری و عزیزاده، ۱۳۹۹)

اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر به دلیل خلا پژوهش هایی با رویکرد اثربخشی آموزش معکوس بر اعتماد به نفس دانش آموزان پایه سوم ابتدایی است و از آنجا که دانش آموزان قشر تأثیرگذار بر جامعه هستند و به دلیل نو بودن و از سوی دیگر تفاوت بافت فرهنگی و اجتماعی خاص ایران از سایر جوامع تحقیقاتی در این زمینه می باشد و همچنین رویکرد توصیفی در اکثر مطالعات انجام شده در داخل کشور و پیشنهاد آن ها به مطالعه مداخله ای در این مبحث پژوهشگر را برآن داشت که موضوعی تحت عنوان (اثربخشی آموزش معکوس بر اعتماد به نفس دانش آموزان پایه سوم ابتدایی شهرستان بهشهر) را برای پژوهش انتخاب نماید با توجه به مطالب ذکر شده پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا آموزش معکوس بر اعتماد به نفس دانش آموزان پایه سوم ابتدایی شهرساری اثربخش می باشد؟

روش پژوهش

این پژوهش با توجه به هدف آن از نوع پژوهش های کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده ها به صورت صورت نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان پایه سوم ابتدایی شهر بهشهر برابر با ۲۵۷۹ نفر می باشد که در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ مشغول به تحصیل هستند و بر طبق آمار بدست آمده از آموزش و پرورش شهرستان بهشهر انتخاب شده اند.

از بین جامعه موردنظر ۶۰ نفر به شیوه هدفمند انتخاب شدند که قبل از مداخله و در پیش آزمون پرسش نامه عزت نفس بر روی آن ها اجرا شد و از میان آنان دانش آموزانی که دارای اعتماد به نفس پایین تر از میانگین بودند به تعداد ۳۰ نفر استخراج و در دو گروه آزمایش و کنترل به صورت تصادفی گماشته شدند (هر گروه ۱۵ نفر). بعد از آن گروه آزمایش ۵ مرحله آموزشی تدریس معکوس را طی ۱۲ جلسه ۱۲۰ دقیقه ای ۳ بار در هفته آموزش دید. بعد از اتمام جلسات آموزش از هر دو گروه پس آزمون گرفته شد. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت ویژه دانش آموزان بوده است. پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت (۱۹۶۷) به منظور سنجش میزان احساس ارزشمندی دانش آموزان و دانشجویان در زمینه های اجتماعی و تحصیلی ساخته شده است. او با این فرض که عزت نفس خصیص های نسبتاً ثابت است براساس تجدید نظری که روی مقیاس راجرز و دایموند (۱۹۵۴) انجام داد آن را تهیه کرده است.

این پرسشنامه مشتمل بر پنج موضوع است که عبارت است از انجام تکالیف آموزشی، روابط اجتماعی، خانواده، خود و آینده و دارای چهار خرده مقیاس است، عزت نفس کلی، عزت نفس اجتماعی (همسالان)، عزت نفس خانوادگی (والدین)، عزت نفس تحصیلی

(آموزشی). این پرسشنامه دارای 58 سؤال دو گزینه‌های با گزینه‌های "بلی" و "خیر" است که هر فرد متناسب با وضعیت خود یکی از گزینه‌ها را انتخاب می‌کند. چون تست دارای خرده مقیاس آموزشی است، این تست را تنها می‌توان بر روی دانشجویان و دانش‌آموزان مورد استفاده قرار داد. این سیاهه به دو جنبه ذهنی و رفتارهای آشکار عزت نفس اشاره دارد. پرسشنامه فوق که در پنج مؤلفه طراحی شده است. در اختیار هر دو گروه آزمایش و کنترل قرار داده شد. مؤلفه‌های عزت نفس عبارتند از:

الف) بعد اجتماعی: مشتمل بر عقاید فرد در مورد خودش به عنوان یک دوست برای دیگران است. به طور کلی، فردی که نیازهای اجتماعی برآورده شود احساس خوبی در این زمینه خواهد داشت.

ب) بعد آموزشی (تحصیلی): عزت نفس، مبتنی بر مقدار ارزشی است که کودک به عنوان یک دانش‌آموز برای خود قائل است. ارزیابی پیشرفت و توانایی تحصیل آسان نیست، اما اگر دانش‌آموز، با توجه به معیارهای مورد قبول جامعه، پیشرفت تحصیلی خوبی داشته باشد از عزت نفس تحصیلی برخوردار است..

ج) بعد خانوادگی: فردی که احساس می‌کند عضو بالارزشی در خانواده است از محبت و احترام، به ویژه از ناحیه والدین برخوردار است، در این زمینه عزت نفس بالایی خواهد داشت.

د) بعد عمومی: تصور جسمانی، ترکیبی از ویژگی‌های جسمانی و توانایی‌های بدنی است. عزت نفس فرد در این زمینه، براساس رضایت از وضعیت جسمانی و ویژگی‌های ظاهری اش است.

ه) بعد کلی: در این جا ارزیابی و تصور کلی فرد از خود و یا خویشتن است و اساس ارزیابی فرد در همه زمینه‌ها است. بررسی‌ها در ایران و خارج از ایران بیانگر آن است که این آزمون از اعتبار و روایی قابل قبولی برخوردار است (موسسه مطالعات کیفیت زندگی ایرانیان، ۱۳۹۹)

پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت از اعتبار و روایی قابل قبولی برخوردار است. اما جهت کاربست مجدد آن در جامعه آماری مورد بررسی جهت تعیین روایی صوری و محتوایی پرسشنامه در اختیار استاد راهنما قرار گرفت که با نظر ایشان روایی صوری و محتوایی تایید شد. جهت تعیین پایایی پرسشنامه‌ها تعداد ۳۰ پرسشنامه در اختیار جمعی از دانش‌آموزان پایه سوم مدارس شهر بهشهر قرار گرفت. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها به روش همسانی درونی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مقدار پایایی برابر ۰/۸۷ محاسبه شد. با توجه به این نتیجه مشخص می‌گردد پرسشنامه از پایایی مطلوبی برخوردار است.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصله از ابزار اندازه‌گیری پژوهش، طی برنامه SPSS ورژن ۲۱ در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد استفاده شده است، برای آزمون فرضیه‌ها جهت حذف اثر پیش‌آزمون بر پس‌آزمون از تحلیل کواریانس استفاده شد. که در آن، ضمن توجه به پیش‌فرض‌های لازم (نرمال بودن توزیع نمرات، همگنی واریانس‌ها و شیب خط رگرسیون)، اثر متغیر مداخله گر پیش‌آزمون حذف شد تا میزان خطای واریانس به حداقل برسد.

یافته ها

در این بخش، تحلیل توصیفی مربوط به تاثیر آموزش معکوس بر اعتماد به نفس دانش آموزان به صورت میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه های عزت نفس (عزت نفس عمومی، خانوادگی، اجتماعی و عزت نفس شغلی تحصیلی) در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. مؤلفه های اعتماد به نفس دانش آموزان پایه سوم ابتدایی

مؤلفه ها	مرحله	گروه کنترل	انحراف	مرحله	گروه آزمایش	انحراف
		میانگین	استاندارد		میانگین	استاندارد
عزت نفس عمومی	پیش آزمون	17.93	3.011	پیش آزمون	18.40	2.586
	پس آزمون	18.53	3.314	پس آزمون	22.87	1.642
عزت نفس خانوادگی	پیش آزمون	3.80	1.082	پیش آزمون	4.20	862
	پس آزمون	3.80	.862	پس آزمون	6.00	1.512
عزت نفس اجتماعی	پیش آزمون	5.00	1.254	پیش آزمون	5.00	.926
	پس آزمون	4.87	1.302	پس آزمون	6.27	1.280
عزت نفس تحصیلی	پیش آزمون	3.60	.910	پیش آزمون	4.00	.845
	پس آزمون	3.67	.724	پس آزمون	6.40	.986
عزت نفس کل	پیش آزمون	30.33	4.169	پیش آزمون	31.60	3.291
	پس آزمون	30.87	3.461	پس آزمون	41.53	3.248

با توجه به استفاده از دو گروه آزمایش و کنترل و برای آزمون فرضیه ها جهت حذف اثر پیش آزمون بر پس آزمون از تحلیل کواریانس استفاده گردید.

فرضیه اول پژوهش: کلاس درس معکوس بر عزت نفس دانش آموزان دوره سوم ابتدایی تاثیرگذار است. در جدول ۲ نتایج حاصله از تحلیل کواریانس تأثیر عضویت گروهی بر میزان نمرات عزت نفس آمده است.

جدول ۲ نتایج تحلیل کواریانس برای مقایسه گروه ها از لحاظ اعتماد به نفس دانش آموزان در مراحل پس آزمون با کنترل اثر پیش آزمون

منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا	توان
پیش آزمون	153.344	۱	153.344	28.360	.000	512	.999
اثر گروه	688.719	۱	688.719	127.375	.000	.825	1.000
میزان خطا	145.990	۲۷	5.407				
جمع کل تصحیح شده	1039.367	۲۹					

همانگونه که از یافته های جدول ۲ مشاهده می شود مقدار ($F = 127/375$) با درجات آزادی (1) از در سطح لحاظ آماری معناداری باشد. چرا که سطح معناداری ($\text{sig} = 0/000$) کوچکتر از 0/005 خطا مشاهده شد.

از این رو می توان نتیجه گرفت آموزش معکوس بر اعتماد به نفس دانش آموزان پایه سوم ابتدایی شهر بهشهر تاثیر دارد. ملاحظه میانگین های دو گروه در جدول ۲ نشان می دهد که نمره های اعتماد به نفس دانش آموزان آزمودنی های گروه آزمایش در پس آزمون نسبت به گروه کنترل افزایش یافته است. از این رو می توان نتیجه گرفت آموزش معکوس باعث افزایش اعتماد به نفس دانش آموزان شده است.

فرضیه دوم پژوهش: کلاس درس معکوس بر ابعاد عزت نفس دانش آموزان دوره سوم ابتدایی تأثیر دارد.

جدول ۳. نتایج تحلیل کواریانس چند متغیری تأثیر عضویت گروهی بر میزان نمرات ابعاد عزت نفس

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا	توان
عزت نفس عمومی	اثر گروه	۱	131.477	45.069	.000	.625	1.000
	خطا	۲۷	2.917				
عزت نفس خانوادگی	اثر گروه	۱	24.300	16.840	.000	.384	.977
	خطا	۲۷	1.443				
عزت نفس اجتماعی	اثر گروه	۱	13.626	21.476	.000	.443	.994
	خطا	۲۴	.634				
عزت نفس تحصیلی	اثر گروه	۱	43.759	53.030	.000	.663	1.000
	خطا	۲۴	.825				

نتایج جدول ۳ نشان داد که بین میانگین های تعدیل شده نمرات عزت نفس عمومی، عزت نفس خانوادگی، عزت نفس اجتماعی و عزت نفس تحصیلی بر حسب عضویت گروهی (گروه آزمایشی و گروه کنترل) در مرحله پس آزمون تفاوت معنا داری وجود دارد ($P < 0/01$). لذا فرضیه دوم تأیید گردید. بنابراین، کلاس درس معکوس بر ابعاد عزت نفس دانش آموزان دوره ابتدایی در پس آزمون گروه آزمایشی تأثیر داشته است. میزان این تأثیر در مرحله پس آزمون به ترتیب برابر با 62/5، 38/4، 44/3 و 66/3 درصد بوده است.

نتیجه گیری

با توجه به هدف پژوهش حاضر آموزش معکوس بر اعتماد به نفس دانش آموزان سوم ابتدایی شهر بهشهر تاثیر دارد. در تبیین یافته‌های پژوهش در ادامه به بحث و نتیجه گیری درباره یافته‌ها پرداخته شده است. از آنجاکه افزایش مؤلفه‌های عزت نفس (عزت نفس خانوادگی، عزت نفس اجتماعی، عزت نفس عمومی و عزت نفس کلی) در دانش آموزان منجر به موفقیت تحصیلی، احساس ارزشمندی و ارزیابی مثبت از خود می‌گردد و کلاس معکوس هم باتوجه به مؤلفه‌های مؤثر در پیشرفت تحصیلی (کنجکاوی، یادگیری عمیق، دانش آموز محوری، شناخت واقعی دانش آموز) و همچنین، تاکید بر فناوری آموزشی و مهارت‌های فردی در عصر اطلاعات و تغییرات شتابان، صورت می‌گیرد، به عنوان یک روش مؤثر در تقویت عزت نفس محسوب می‌گردد. یافته‌های حاکی از آزمون تحلیل کواریانس چند متغیری نشان داد که کلاس معکوس توانسته است اثر معنی داری بر متغیر عزت نفس بگذارد. یافته‌های پژوهش نشانگر تأثیر مثبت کلاس معکوس بر سطوح عزت نفس در دانش آموزان دارد. همچنین، میانگین نمرات دانش آموزان در پس آزمون گروه آزمایش و کنترل تفاوت چشمگیری با یکدیگر دارند که میانگین نمرات عزت نفس دانش آموزان آموزش دیده از طریق کلاس معکوس بالاتر بوده است. از این رو نتیجه به دست آمده در این پژوهش با یافته‌های حاصل از پژوهش‌های احمدی و همکاران (۱۴۰۲)، نیایی و همکاران؛ احمد آبادی و همکاران (۱۴۰۰) و زائو و همکاران (۲۰۲۱) همسو می‌باشد.

کلاس معکوس با افزایش درگیری فراگیران با محتوا تعامل مدرس و فراگیر را بهبود می‌دهد و باعث تقویت یادگیری در دانش آموزان می‌شود. در این رویکرد فراهم کردن محتوا در کلاس درس کنار گذاشته می‌شود و مدرسان می‌توانند فعالیت‌های کلاسی را از طریق آموزش اینکه چگونه فراگیران به علت مسائل دست یابند و اطلاعات را در زندگی واقعی به کار گیرند فراهم کنند. هدف این رویکرد تمرکز بر کاربرد و بحث در زمان کلاس درس است درحالی که کسب اصول و مفاهیم اساسی به وسیله فراگیران قبل از کلاس درس صورت می‌گیرد. آموزش معکوس باعث شده است که مهارت‌های ارتباطی دانش آموزان ارتقاء پیدا کند چرا که وقتی مطالب آموزشی از قبل در اختیار دانش آموزان قرار می‌گیرد و آنها می‌توانند بارها مطالب را از طریق صوت و تصویر گوش کنند و مشاهده نمایند هنگام رویارویی با معلم در برابر سوالات معلم با اعتماد به نفس بسیار بالایی مشارکت می‌نمایند و دانش آموزان نه تنها از طرف معلم مورد تشویق قرار می‌گیرند بلکه نمرات بهتری هم در همان درس کسب می‌کنند. در کلاس معکوس فراگیران از راهبردهای یادگیری فعال از جمله مناظره در مورد موضوع‌های جاری مطالعات موردی تحلیل موردی تدوین نقشه مفهومی حل مسئله سخنرانی‌های کوتاه و بحث گروهی کوچک در زمان کلاس درس استفاده می‌کنند. این روش این توانایی را برای فراگیران فراهم می‌کند زمانی که با مسائل و مفاهیم مشکل و پیچیده برخورد می‌کنند و نیاز شدیدی به معلم دارند کمک می‌نماید تا فرایند یادگیری شخصی سازی شود. به عبارت دیگر کلاس معکوس باعث می‌شود تدریس جمعی در کلاس به تدری فردی در منزل تبدیل شود و فرد متناسب با سرعت خود به یادگیری بپردازد.

حضور دانش آموزان در محیط چندرسانه‌ای یادگیری معکوس به فهم دانش و اعتماد به نفس فراگیران یاری می‌رساند. بنابراین الگوی کلاس معکوس از هر روشی برای درگیر کردن و فعال کردن فراگیران در فرآیند آموزش و یادگیری استفاده می‌کند و این همان هدف غایی یادگیری فعال است که به مثابه چتری سایر روش‌های یادگیری را تحت پوشش قرار می‌دهد. باور معلم در موفق شدن یادگیری به شیوه معکوس حاصل انگیزه دانش آموز و علاقمندی به این روش است. از این رو لازم است که معلم ابتدا توانایی

تسلط و آگاهی کامل و کافی نسبت به این روش داشته باشد تا بتواند به خوبی در زمینه انگیزه دهی و هدایت و راهنمایی دانش آموز عمل کند. نکته بسیار مهم این است که این ایده آل ها در کلاس درس به صورت عملی ممکن است کمتر به عرصه ظهور برسد زیرا بافت فرهنگی سنتی تعلیم و تربیت کشورمان باوری که خانواده ها نسبت به یادگیری دارند و باوری که معلم در مرکز توجه است و به دانش آموزان محتوا را انتقال می دهد مانع از انجام این کار می شود. بنابراین اذهان باید کم کم به سمت این باور جهت داده شود که دانش آموز مرکز ثقل امور تعلیم و تربیت است و خودش باید به دنبال علم برود و راه های مختلف رسیدن به آن را نیز با هدایت و راهنمایی معلم پیدا کرده و از طرق مختلف به کسب محتوای علمی مناسب با درس مورد نظر فائق آید. این باعث ایجاد انگیزه اعتماد به نفس و خودکارآمدی دانش آموز می شود و مهم تر اینکه فراگیران می توانند از هم اکنون روی پای خود بایستند و حتی خجالتی ترین دانش آموز در کلاس با مشارکت و تعامل در جمع قرار گیرد و بتواند ابراز وجود کند و دیگر از آن حالت گوشه گیری و منزوی بودن رهایی یابد.

فناوری کلاس معکوس بر فرآیندهای آموزشی دلالت دارد که در آن دانش آموزان در کلاس های چهره به چهره حضور دارند. آن ها قبلاً مقداری از دانش نظری موضوعی را که قرار است در کلاس بحث شود دریافت کرده اند. این روش تعامل را موثرتر و مفیدتر می سازد؛ زیرا دانش آموزان در پرسیدن سوالات احساس راحت تر و اطمینان بیشتری دارند و درباره موضوع با معلم و همکلاسی هایشان بحث و گفتگو می کنند گروه های کلاسی تشکیل می دهند و در ساعات خارج از مدرسه با هم به دنبال پاسخ سوالات می روند. همچنین در نظر گرفتن تشویق های کلامی و غیرکلامی مانند نمره تشویقی برای آنان یا رسیدگی به دانش آموزان در طی حل تمرین های کلاسی و امتیاز قائل شدن برای دانش آموزان فعال در تمامی مراحل تدری بسیار مهم است زیرا این اشتیاق به دانش آموزان منتقل شده و باعث اعتماد به نفس بیشتر آنان خواهد شد.

آموزش معکوس احساس تعلق به مدرسه و اعتماد به نفس تحصیلی را ارتقاء می بخشد و هر چه احساس تعلق به درس و مدرسه بیشتر شود اعتماد به نفس تحصیلی دانش آموزان هم بیشتر می گردد روش تدریس معکوس محیطی فعال و تعاملی برای یادگیری دانش آموزان فراهم نموده و معلم به عنوان هدایت گر و تسهیل گر ایفای نقش می کند در نتیجه دانش آموز به طور فعال و خلاقانه درگیر موضوعات درسی می شود چرا که درگیر کردن دانش آموزان به مطالب درسی هنگام تدری در پیشرفت تحصیلی آن ها موثر است. بنابراین رویکردهای تدریس معلمان نقش مهمی در تشویق یادگیرندگان به اتخاذ بهترین روش یادگیری را دارد. از طرفی آموزش معکوس زمینه مناسبی برای آرامش دانش آموزان ایجاد می کند که بدون استرس و اضطراب و با آمادگی کامل وارد کلاس شوند اعتماد به نفس و مشارکت در فعالیت های کلاسی آنها نیز بیشتر می شود و همین امر سطح و میزان اعتماد به نفس تحصیلی دانش آموزان را ارتقاء می بخشد.

پیشنهادهای پژوهش

- در بررسی و پاسخ به فرضیه اصلی پژوهش مشخص شد که آموزش معکوس بر اعتماد به نفس دانش آموزان سوم ابتدایی شهر بهشهر تاثیر دارد. بنابراین پیشنهاد می گردد:

- مدیران و مسئولین آموزش و پرورش با اجرای دوره های ضمن خدمت و برگزاری کارگاه های تخصصی معلمان را با مزایا و نحوه استفاده از روش آموزش معکوس آشنا کنند.
- ایجاد بانک اطلاعاتی و فیلم های آموزشی متنوع به معلمان در فرآیند اجرای دوره توصیه می شود.
- حمایت مدیران مدارس از روش یادگیری معکوس جهت ایجاد خودمدیریتی یادگیری دانش آموز صرفه جویی در زمان و بالابردن اعتماد به نفس دانش آموزان پیشنهاد می گردد.
- بهره گیری از تکنولوژیست های آموزشی جهت طراحی و تولید فیلم ها و محتواهای آموزشی مورد توجه قرار گیرد.
- اجرای طرح های تشویقی برای معلمان در استفاده از روش های نوین تدریس از سوی مسئولین آموزش و پرورش مورد توجه قرار گیرد.
- مدیران مدارس برای شناسایی معلمان با انگیزه و با استعداد در اجرای روش های نوین تدریس آموزش و پرورش را همراهی نمایند.
- معلمان محیط فیزیکی کلاس را با چیدن میز و نیمکت بصورت ثابت یا مدور تغییر دهند تا امکان فعالیت های فردی و گروهی برای همه دانش آموزان در حد توانایی هایشان فراهم شود.
- برگزاری کلاس های معکوس بدون بکار بردن فناوری مناسب امکان پذیر نیست بنابراین دسترسی مدارس به تجهیزات رایانه ای و اینترنت مورد توجه و پیگیری قرار گیرد.

منابع

- ابوالقاسمی مهدی و محمدی حسینی (۱۳۹۹). بررسی تاثیر روش یادگیری معکوس بر روی نگرش و عملکرد در درس ریاضی دوره ابتدایی . **نشریه علمی فناوری آموزش**، ۱۵(۱)، ۸-۱.
- احمدی، پروین، زارعان، زهرا و ابراهیم پور، مریم (۱۴۰۲). تاثیر روش یادگیری معکوس بر عزت نفس دانش آموزان دوره ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، **فصلنامه آموزش پژوهی**، ۹(۳۴)، ۵۴-۳۵.
- احمدآبادی، آرزو، زین آباد، حسن رضا و استاد رحیمی مریم (۱۴۰۰). تاثیر تدریس با روش معکوس در مقایسه با روشهای همیاری کاوشگری و سخنرانی بر یادگیری علوم تجربی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی . **فصلنامه پژوهش در تربیت معلم**، ۴(۱)، ۲۸-۹.
- احمدآبادی آرزو؛ صفری محمود و عزیزاده حمیده (۱۳۹۹) روش تدریس معکوس شیوه ای نوین بر کاهش کم رویی در دانش آموزان . **فصلنامه آموزش پژوهی**، ۳(۲۲)، ۴۸-۳۷.
- اسمعیلی فر محمدصادق؛ تقوایی یزدی مریم و نیازآذری کیومرث (۱۳۹۵). تاثیر استفاده از رویکرد کلاس معکوس بر یادگیری درس علوم دانش آموزان دوره ابتدایی . **مطالعات علوم انسانی**، ۲(۷)، ۲۶-۲۱.

بحرانی‌پور محمد و اشرفی زهرا (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین تیپ های شخصیتی (درون گرا و برون گرا) با میزان اعتماد بنفس دانش آموزان آسیب دیده شنوایی. **فصلنامه علمی پژوهش های نوین در آموزش و پرورش**، ۲(۱)، ۳۳-۴۰.

پورعبدل سعید؛ نریمانی محمد؛ عباسی مسلم و امیدوار عظیم (۱۳۹۵). نقش تعارض والد نوجوان و حمایت اجتماعی در پیش بینی سازگاری دانش آموزان. **دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات آموزشی و آموزشگاهی**، ۷(۱۳)، ۷۵-۹۰.

سمای عبدالهادی؛ جاویدی حجت الله؛ کاظمی سلطانعلی و بقولی حسین (۱۳۹۹). مقایسه اثربخشی آموزش مبتنی بر یادگیری معکوس و آموزش مبتنی بر یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی خودتنظیمی تحصیلی و درگیری تحصیلی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهرستان لامرد. **مجله روش ها و مدل های روانشناختی**

شرفی لیلا؛ تقی بیگی معصومه و علی بیگی امیرحسین (۱۳۹۴). تاثیر عزت نفس و ویژگی های فردی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان کشاورزی دانشگاه رازی. **فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورز**، ۸(۳۲)، ۱۱۳-۱۲۱.

فتحی جلیل و یارخدا جمال (۱۴۰۰). بررسی تاثیر کلاس درس معکوس بر پیشرفت خواندن و خودکارآمدی زبان آموزان. **پژوهش های زبان شناختی در زبان های خارجی**، ۱۱(۳)، ۴۳۵-۴۵۲.

فضلعلی فاطمه؛ علوی محمد و کیوان پناه شیوا (۱۳۹۶). تاثیر یادگیری معکوس بر توسعه ی حرفه ای نومعلمان زبان انگلیسی: میزان مشغول بودن و نگرش آن ها. **پژوهش های زبان شناختی در زبان های خارجی**، ۷(۲)، ۴۷۱-۴۹۶.

کاویانی حسن؛ لیاقت دار محمدجواد؛ زمانی بی بی عشرت و عابدینی یاسمین (۱۳۹۶). سنتز پژوهی بازده های آموزشی کلاس معکوس در فعالیت های یاددهی یادگیری. **نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش**، ۱۲(۲)، ۱۴۵-۱۶۶.

مرادی دولیسکانی، مرتضی، یونس پور عیسی لو، زینب و مرادی، رسول (۱۴۰۱). تاثیر روش کلاس درس معکوس بر خورکارآمدی تحصیلی و یادگیری خودراهبر دانش آموزان در درس زبان انگلیسی، **راهبردهای آموزش در علوم پزشکی**، دوره (۱۵)، شماره (۱)، ص ۱۸-۱۰.

نعمتی محبوبه (۱۳۹۸). بررسی تاثیر روش یاددهی یادگیری معکوس بر پیشرفت مهارت خواندن و نوشتن فارسی آموزان غیر فارسی زبان. **پژوهش نامه ی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان**، ۸(۱۸)، ۲۶۶-۲۵۱.

نیایی سودابه؛ ایمان زاده علی و واحدی شهرام (۱۴۰۰). اثربخشی تدری معکوس بر اضطراب ریاضی و عملکرد ریاضی دانش آموزان پایه پنجم شهرستان مرند، **نشریه علمی فناوری آموزش**، ۱۵(۳)، ۴۲۸-۴۱۹.

Golzari Z, Attaran M.(2016). Flipped learning in higher education: Narratives of a Teacher. *Journal of Theory & Practice in Curriculum*. 7(4), 81-136. Persian.

Kim, M. K., Kim, S. M., Khera, O., & Getman, J. (2014). The experience of three flipped classrooms in an urban university: an exploration of design principles. *The Internet and Higher Education*, 22, 37-50.

Mehring, J (2016), Present Research on the Flipped Classroom and Potential Tools for the EFL Classroom, *Computers in the Schools*, 33(1). 1-10.

Liu, I. W., & Sukavatee, P. (2019). The Effects of Debate Instruction Through a Flipped Learning Environment on Critical Thinking Skills of Thai High School Students. *Scholar: Human Sciences*, 11(1), 238.

Zhao, zhao, L., Liu, X., & Su, Y. S. (2021). The differentiate effect of self-efficacy, motivation, and satisfaction on pre-service teacher students' learning achievement in a flipped classroom: A case of a modern educational technology course. *Sustainability*, 13(5), 2888.